

سرنگون باد رژیم ارتجاعی و استبدادی جمهوری اسلامی

مبارزات کارگران، زحمتکشان و اقشار محروم ایران علیه رژیم ارتجاعی و استبدادی حاکم گسترش وسیعی یافت. ضمن پشتیبانی و حمایت از کارگران، زحمتکشان و اقشار محروم مبارز، رژیم جنایتکار حاکم را بخاطر کشتار مردم محکوم میکنیم و جنایتکارهای حاکم را به سزای اعمالشان خواهیم رساند.

کارگران و زحمتکشان! ما بایستی ضمن گسترش و پیش بردن مبارزات در سراسر ایران و خارج ایران در اشکال مختلف علیه رژیم حاکم، خود را به صورت یک طبقه در ایران متشکل کنیم. در این شرایط حساس این وظیفه بسیار مهم بعهد پیشران کارگران و زحمتکشان و اقشار محروم داخل ایران است. ضمن پیش بردن مبارزات عمومی علنی علیه رژیم حاکم در سطح سراسری بایستی رهبران و پیشران کارگران و زحمتکشان به جنبه امنیتی مسئله توجه زیادی داشته باشند و به همین خاطر تشکل های مخفی اعم از انجمن ها، کمیته ها، گروه ها، دسته ها و غیره را در سطح سراسری به صورت زنجیره ای نیز سازمان دهند. بدون فعالیتهای مخفی مبارزه علیه رژیم های ارتجاعی و استبدادی غیرممکن است زیرا این جانیان به کسی رحم نمی کنند، حتی کودکان. عملیات ارتجاعی تروریستی آنها در اسرائیل، آمریکا، عراق، ترکیه، افغانستان، پاکستان، هندوستان، روسیه، اسپانیا و در دیگر کشورها و ایران، اسنادی هستند که هیچ انسانی با صفت انسانی نمی تواند منکر آنها گردد. این اعمال جنایتکارانه، از طریق آموزشهای خرافی (از جمله: اسلامی) و فریب مردم عقب افتاده فلسطین و دیگر کشورهای عقب افتاده منطقه توسط همین مرتجعین و جایتکاران صورت میگیرد انجام میگیرد و بطوری که افراد فریب خورده بصورت سازمانیافته بدستور همین مرتجعین و جنایتکاران دست به عملیات انتحاری و غیر انتحاری میزنند که باعث کشته شدن انسانها اعم بچه و پیر و ویران کردن ابزار کار، منازل و غیره میگردد. و یا کشتار «ناموسی» و ستم بر زن که در کشورهای با حاکمیت قوانین اسلامی صورت میگیرد خود جنایتی است که به دیگر جنایات آنها بایستی افزوده شود. به هر صورت بایستی به این وضعیت خاتمه داد. این وظیفه مهم را فقط کارگران، زحمتکشان، اقشار محروم و ذینفع جامعه میتوانند تا به آخر پیش برند. زیرا بورژوازی این کشورها خود سراپا بخاطر استثمار کارگران و زحمتکشان به رژیم های ارتجاعی و استبدادی (امپراطوری) حاکم کمک میکنند و خرده بورژوازی نیز در کنار آنها قرار گرفته است، این از یک طرف و از طرف دیگر بورژوازی مرتجع اروپا نیز تاکنون عملاً از این جنایتکارهای حاکم پشتیبانی کرده و احتمالاً از این به بعد نیز به جای مبارزه منسجم بین المللی علیه این جانیان، بخاطر منافع حقیر غارتگرانه خودشان از آنها پشتیبانی کند.

بورژوازی مرتجع اروپا تصور میکند که اگر دموکراسی در کره زمین برقرار گردد وضعیت اقتصادی آنها به وخامت می‌گراید. در صورتی که اینچنین نیست زیرا با برقراری دموکراسی یعنی در گام نخست، دموکراسی بورژوائی تضمینی است به ثبات در کشورها در جهت توسعه تولید در یک سیستم رقابتی که سرمایه داری کلاسیک (آمریکا) موافق آن است. طبعاً در این شیوه تولید یعنی تولید رقابتی، سرمایه داران و یا شرکتهای سهامی که کالاهای غیر مرغوب تولید میکنند به ورشکستگی کشانده میشوند و شرکتهای مختلفی که کالاهای مرغوبتر تولید میکنند جایگزین آنها می‌گردند و بایستی هم چنین گردد. آنچه را که بورژوازی مرتجع آسیا، آفریقا و اروپا با برقراری دموکراسی ازدست خواهند داد غارتگری آنها است. درواقع آنها تمایل به رها کردن نظام ارتجاعی و استبدادی یعنی نظام غارتگری را ندارند و همین مسئله است که وظیفه کارگران و زحمتکشان تک تک کشورهایی که در آنجا مرتجعین و مستبدین حاکم اند را صد چندان میکند و تنها همین طبقه است که میتواند با نیروی «معجزه آسای» خود یعنی اعتصابات سراسری این جانیان را از قدرت سیاسی ساقط و به زیر بکشد. بنابراین راه بهتری جز اکتفا کردن به نیروی متشکل خود یعنی سازمانیافته خود جهت مبارزه برای پیروزی دموکراسی بر استبداد و ارتجاع (نظام غارتگری) وجود ندارد. در این راستا نیز بایستی کارگران، زحمتکشان و اقشار محروم جامعه خود را به هر نوع اسلحه ای که ممکن است مسلح کنند، حتی اسلحه شکاری، تا در مقطعی که لازم شد در مقابل نیروهای ارتجاعی و استبدادی سرکوبگر رژیم که در مقابل اعتراضات مردم اسلحه میکشند از آنها استفاده شود. پاسخ گلوله، گلوله است!

کارگران و زحمتکشان بایستی اعتصاب سراسری را سازمان دهند تا برای همه و از جمله این مفتخوران مفهوم «ارزش اضافی» ای که ما تولید میکنیم روشن گردد. آنها با همین «اضافه ارزش» ای که ما کارگران و زحمتکشان تولید میکنیم زندگی می‌کنند. اعتصابات سراسری یکی از اشکال مبارزاتی مهمی است که حاکمان مفتخوار و جنایتکار را به زانو درخواهد آورد و از قدرت سیاسی ساقط و سرنگونشان میکند. بدون اعتصابات سراسری طولانی مدت، آنها توانائی مانور دادن و سرکوب کردن مردم معترض را دارند. اعتصابات سراسری بایستی آنچنان وسیع و سازمانیافته باشد که به آنها و نیروهای سرکوبگرشان هیچ نوع کمکی چه از داخل ایران و چه از خارج ایران نرسد. اعتصابات سراسری بایستی همزمان تمام کشور را فرا گیرد، یعنی کارگران و زحمتکشان بنادر، حمل و نقل، فرودگاهها، کارخانه ها، فابریکها، شرکتهای و غیره وارد اعتصاب گردند و کارگران، زحمتکشان و مردم محروم و ذینفع جامعه آنچنان همکاری وسیعی با یکدیگر داشته باشند که کل سیستم سرکوبگری رژیم را از هم بپاشانند. در این راستا یعنی در دوره اعتصابات سراسری طولانی مدت همکاری وسیع تمام مردم مخالف رژیم به یکدیگر هم از جنبه مادی و هم معنوی بسیار ضروری است. در این زمینه نیز بایستی برای آماده کردن ذهن توده ها

کارهای زیادی صورت گیرد تا مردم این یکپارچگی و همکاری مادی و معنوی را در جهت سرنگون کردن رژیم درک کنند. بنابراین هر آنچه که در انبارها و فروشگاه های رژیم و وابستگان رژیم وجود دارد یعنی خواربار و پوشاک و غیره وجود دارد همان «اضافه ارزش» ایست که ما تولید میکنیم. پس این حق ماست که بدون هیچگونه شک و تردید و ترسی از امکانات انبار شده در دوران اعتصابات تا رسیدن به خواست ها و مطالبات بر حق مان استفاده کنیم. در این راستا هیچکسی حق ندارد از ما که در دورانی که در اعتصابات بسر میبریم بخاطر مصادره خواربار و پوشاک برای تأمین خود در این دوران، خرده گیرد، زیرا وسائل انبارها و فروشگاهها در واقع همان «ارزش اضافی» ایست که بخشی از آن بصورت اجناس در دست عده معدودی انبار شده است و بخشی دیگر بصورت پول های هنگفت. بنابراین مجدداً تکرار میکنم، مردم ایران بایستی در دوره اعتصابات آنچنان همکاری، همبستگی و کمک مادی و معنوی به یکدیگر کنند که مبارزات بر حق آنها به سهل ترین شکلی در جهت پیروزی آنان یعنی سرنگونی رژیم ارتجاعی و استبدادی در جهت برقراری قانون دموکراتیک پیش رود.

مردم ایران در «انتخابات» نمایشی و فرمایشی یکم اسفند ماه ۱۳۸۲ رژیم ارتجاعی و استبدادی، نشان دادن که رژیم ارتجاعی و استبدادی حاکم و هیچ نوع رژیم استبدادی دیگری را نمی خواهند. تنها بیش از ۷۰ درصد مردم در «انتخابات» فرمایشی و نمایشی شرکت نکرده اند بلکه در سراسر ایران اعتراضات وسیعی را نیز علیه رژیم حاکم سازمان داده و پیش بردند. گذشته از این، حتی آن بخشی که، بجز آن اقلیتی که در واقع خود جنایتکارهای حاکم و وابستگان آنها هستند، در «انتخابات» نمایشی رژیم شرکت کردند سربازان و نظامیان و دیگرانی بودند که بنا به وضعیت شغلی و کاری خود پیاپی صندوق های رأی کشیده شدند. بنابراین اکثریت مردم ایران در روز «انتخابات» نمایشی و فرمایشی رژیم ارتجاعی و استبدادی حاکم به شکل «مسالمت آمیز» اعلام کردند که رژیم حاکم را نمی خواهند. اما جنایتکاران حاکم نشان دادند که تنها اعتناعی به آراء مردم نمی کنند بلکه در همین مدت کوتاه بعد از «انتخابات» نمایشی و فرمایشی خود، بیش از صدها نفر از معترضین را بقتل رسانده، زخمی کرده، دستگیر و روانه زندانها کرده اند. باوجوداین دولتهای «متمدن» اروپا و «سازمان ملل» حتی سخنی هم در این باره بر لب نیاورده اند.

متأسفانه، هنوز بخش بورژوائی اپوزیسیون رژیم (که هنوز جرأت ندارند اعلام کنند که جزو احزاب بورژوائی هستند و از منافع این طبقه، البته بخش «اپوزیسیونی» آن، دفاع میکنند و فریبکارانه خود را قیم همه مردم ایران میدانند) شعار «رفراندم» را رها نکرده اند. این دیگر یعنی یک گام به پس.

عالیجنابان محترم، «انتخابات» نمایشی رژیم، خود در واقع یک «رفراندم» بوده است که رژیم حاکم برگزار کرد و جواب اکثریت مردم را هم رژیم و هم شما دریافت کرده اید. جواب مردم یک نه

بزرگ با اکثریت مطلق آراء به رژیم بوده است. بنابراین مطرح کردن «رفراندوم» تنها بیمعنی است بلکه خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه در خدمت بقاء رژیم استبدادی و ارتجاعی حاکم است و همچنین زیرپا گذاشتن رأی اکثریت مردم ایران (یعنی شرکت نکردن آنها در «انتخابات») و مبارزات اکثریت مردم ایران است. شرکت نکردن اکثریت مردم در «انتخابات» نمایشی و فرمایشی از یک طرف و از طرف دیگر مبارزات گسترده آنها به معنی حکم سرنگونی رژیم است نه تقاضای «رفراندوم». اما رژیم حاکم بعد «انتخابات» نمایشی اش نشان داد که حاضر به رها کردن قدرت سیاسی و واگذار کردن قدرت سیاسی به اکثریت مردم از طریق مبارزات «مسالمت آمیز» نیست. پس بایستی به جای تبلیغات پوچ «رفراندوم» اعتصابات سراسری را تبلیغ کرد که این شکل مبارزه هم «مسالمت آمیز» است و هم ساقط کننده و سرنگون کننده هر نوع رژیم و مفتخوارانی. بنابراین ما از احزاب بورژوائی «اپوزیسیونی» ایرانی از هر شاخه آن که نمیخواهند در مبارزات سرنگونی طلب مردم شرکت کنند و نمی خواهند در جهت برقراری قانون دموکراتیک در ایران گامی بردارند، تقاضا داریم لطفاً لطف کنند که در این راستا حداقل با شعارهای پوچی همچون «رفراندوم» و غیره «سنگ اندازی» نکنند و یا بعبارت دیگر «چوب لای چرخ» نگذارند. اکثریت مردم ایران نشان دادند که خواستار سپردن قانون (اسلامی) و قانون ماقبل آن (سلطنتی) به زباله دانی تاریخ در جهت برقراری قانون اساسی دموکراتیک یعنی برقراری نظام دموکراتیک در جامعه هستند. اگر باورتان نمیشود برای مدت یک تا سه ماه رژیم حاکم به نیروهای سرکوبگر خود مرخصی دهد تا باورتان شود.

از نظر ما بایستی مبنای نوشتن قانون اساسی جامعه «فراخوان سازمانیابی تشکل مستقل کارگری و اتحاد عمل تشکل های انقلابی» باشد. ما برای این هدف با تمام نیرو مبارزه خواهیم کرد. این اکثریت مردم جامعه هستند که بایستی ساختار اقتصادی و سیاسی جامعه خود را در هر دوره انتخاباتی (حداکثر ۵ ساله) از طریق انتخابات عمومی تعیین کنند نه اینکه یک مشت مفتخوار و جنایتکار. نمایندگان طبقات مختلف جامعه بایستی در تشکل های طبقاتی خود آزادانه سازمان یابند و در انتخابات دوره ای شرکت داشته باشند نه اینکه با برگزاری همچون «رفراندوم» مردم را بفریبند و برای ابد به مردم بگویند که در فلان تاریخ مردم چنین رأی داده اند، پس بایستی برای همیشه چنین باشد. نه خیر. ما دیگر نمیگذاریم در ایران و منطقه چنین اتفاقی بیافتد. رژیم های ارتجاعی و استبدادی بایستی یکی پس از دیگری برای همیشه نابود گردند. این حکم ماست.

* حجت بزرگر

* تاریخ: ۱۳۸۲/۱۲/۲۸ (۲۰۰۴/۰۳/۱۸ میلادی)

* آدرس تماس با اتحادیه مارکسیستها از طریق پست الکترونیکی: nasim@tele2.se